

۲۳۳۱۴۱۳

یک کودک و یک کشور  
در پایان تاریخ



لیا اوی

ترجمه علیرضا شفیعی نسب



سرشناسه: اوبی، لیا، ۱۹۷۹-۲۰۰۴  
Ypi, Lea, 1979  
عنوان و نام پدیدآور: آزاد، یک کودک و یک کشور در پایان تاریخ / لیا اوبی؛  
ترجمه علیرضا شفیعی نسب؛ ویراستار سارا شیخی.  
مشخصات نشر: تهران: ترجمان علوم انسانی، ۱۴۰۱  
مشخصات ظاهری: ۲۸۰ ص  
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹-۶-۵۷۳۴-۵۷۳۴-۹۱  
رده بندی کنگره: ۹۱۰/۹۷۷/۲۵  
رده بندی دیویی: ۹۴۹/۶۵۰۳  
شماره کتابشناسی ملی: ۸۹۷۵۷۵۳

# آزاد

## یک کودک و یک کشور در پایان تاریخ

این اثر ترجمه است از:

**A Child and A Country at the  
End of History**

**Lea Ypi**  
W. W. Norton & Company, 2022

نویسنده: لیا اوبی

مترجم: علیرضا شفیعی نسب

ناشر: ترجمان علوم انسانی

ویراستار: سارا شیخی

طراح جلد: حمید اقلی بیژدی

صفحه آرا: هادی عادل خانی

چاپ: زیتون

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۱

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

پست الکترونیکی: [tarjoman.nashr@gmail.com](mailto:tarjoman.nashr@gmail.com)

فروشگاه اینترنتی: [www.tarjomaan.shop](http://www.tarjomaan.shop)

.....  
حقوق چاپ و نشر در تمام قالب‌ها اعم از  
کاغذی، الکترونیکی و صوتی انحصاراً برای  
انتشارات ترجمان علوم انسانی محفوظ است.

این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است.



## معرفی نویسنده

**لیا اوپی** در رشته‌های ادبیات و فلسفه تحصیل کرده است. او اکنون استاد نظریه سیاسی در مدرسه اقتصاد لندن است و درباره نظریه‌های عدالت، اندیشه سیاسی روشنگری، مارکسیسم و نظریه انتقادی پژوهش‌های سیاسی نوشته است. او همچنین برنده جایزه بیلی گیفورد (Baillie Gifford Prize) و جایزه کتاب آزاد در زمره کتاب‌های برگزیده جایزه کاستا (Costa Prize) قرار گرفته و گائین، نیویورکر و فایننشال تایمز نیز آن را به عنوان کتاب سال انتخاب کرده‌اند.

خاطرات هوشمندانه و دلنشینانتری آلبانیایی در پایان جنگ سرد؛ کاوشی درخشان در باب بحالی آزادی، فریب‌ها و امیدهای واهی، ناامیدی‌ها و امکان‌ها.


آزاد را یکی از برجسته‌ترین اندیشمندان چپ اروپا نوشته است، کتابی ضروری برای هر کسی که به سیاست مقاومت می‌اندیشد.

NEW STATESMAN

## پال میسن

نویسنده کتاب  
پس‌سرمایه‌داری

## فهرست

- 
- |     |                               |
|-----|-------------------------------|
| ۹   | مقدمه مترجم                   |
| ۱۳  | دفتر نخست                     |
| ۱۵  | [۱] استالین                   |
| ۲۷  | [۲] آن یکی اوپی               |
| ۳۹  | [۳] زندگی نامه مختصر ۴۷۱      |
| ۴۹  | [۴] مرگ عموانور               |
| ۵۹  | [۵] قوطی های کوکاکولا         |
| ۷۱  | [۶] رفیق مامازل               |
| ۸۳  | [۷] بوی کبر سدا آنتاب می دهند |
| ۹۹  | یگاتیستا                      |
| ۱۱۱ | [۹] احمد فارغ التحصیل شد      |
| ۱۱۹ | [۱۰] پایان شرح                |

www.ketab.ir

۱۳۳	دفتر دوم	
۱۳۵	[۱۱] جوراب خاکستری	
۱۴۷	[۱۲] نامه‌ای از آتن	
۱۶۱	[۱۳] همه می خواهند بروند	
۱۷۱	[۱۴] بازی‌های رقابتی	
۱۸۱	[۱۵] من همیشه با خودم چاقو داشتم	
۱۹۱	[۱۶] این‌ها همه بخشی از جامعه مدنی است	
۲۰۳	[۱۷] کروکودیل	
۲۱۳	[۱۸] اصلاحات ساختاری	
۲۲۳	[۱۹] گریه نکن	
۲۳۳	[۲۰] مثل بقیه اروپا	
۲۴۳	[۲۱] ۱۹۹۷	
	[۲۲] فیلسوفان جهان را فقط تفسیر کرده‌اند؛	
۲۵۹	مسئله دگرگون کردن آن است	
۲۶۹	سرخ	
۲۷۵	تقدیر و تشکر	



## مقدمه مترجم

آلبانی کشوری در جنوب شرقی اروپا و در غرب شبه جزیره بالکان است. مردم این کشور خود را از نژاد ایلیری‌های باستان می‌دانند که روزگاری در مرکز اروپا می‌زیستند و در ابتدای عصر برنز، حدود ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد، به جنوب و قلمرو امروزی آلبانی مهاجرت کردند. مردم آن که رز به سرزمین خود نه آلبانی، که شیپریا به معنای «سرزمین عقاب‌ها» می‌گویند. سرزمین‌ها در طول تاریخ فرمانروایان مختلفی به خود دیده است، از رومیان که در قرن دوم میلادی با فتح کردند گرفته تا روم شرقی که در اواخر قرن چهارم بر آنجا چیره شد و صدامتیه پس از یورش‌های مختلف ویزیگوت‌ها، هون‌ها و بلغارها، سرانجام ترکان عثمانی که آلبانی را در قرن پانزدهم فتح کرده و ضمیمه خاک امپراتوری خود کردند.

سلطه عثمانی‌ها جزء طولانی‌ترین دوره‌های حکومت در تاریخ آلبانی بود تا اینکه بالاخره، پس از نزدیک به پنج قرن حکومت ترکان، این کشور در سال ۱۹۱۲ به استقلال رسمی رسید، اما در عمل همچنان خاک آن میان کشورهای مختلف دست به دست می‌شد و پادشاهانی همچون احمد زوغو (زوج اول) و ویکتور امانوئل سوم یکی پس از دیگری می‌آمدند و می‌رفتند. سرانجام انور خوجه، سیاستمدار کمونیست، در سال ۱۹۴۴ نظام سلطنتی کشور را برانداخت و به قدرت رسید.

خوجه هواخواه سرسخت استالین بود و از ابتدای حکومت خود سیاست‌هایی را برای تحکیم قدرت پیش گرفت که کشتار و اعدام ضدکمونیست‌ها بخش مهمی از آن را تشکیل می‌داد. ممنوعیت کامل مذهب و تعطیلی پرستشگاه‌ها در این کشور، که

اکثریتی مسلمان داشت، نیز از دیگر سیاست‌های او در دوران حکومتش بود. دولت انور خوجه، با نام رسمی جمهوری سوسیالیست خلق آلبانی، چهار دهه دوام داشت و گرچه تغییرات مثبتی همچون کاهش آمار بی‌سوادی را رقم زد، اما میراث نهایی آن ترس بود و انزوای بین‌المللی آلبانی.

پس از مرگ خوجه در یازدهم آوریل ۱۹۸۵، رامیز آلیا جانشین او شد و بسیاری از سیاست‌های خوجه، از جمله کنترل رسانه‌ها و محدودیت گردش اطلاعات در این کشور منزوی، را ادامه داد. این وضعیت به‌گونه‌ای بود که در بحبوحه انقلاب‌های ۱۹۸۹ که به سرنگونی بیشتر حکومت‌های کمونیستی جهان انجامید بسیاری از مردم آلبانی به‌کل از این وقایع بی‌خبر بودند.

اما پوست‌سخت این خفقان و انزوا به تدریج ترک خورد. در ژانویه ۱۹۹۰، نخستین شورش‌ها در شهر تیرانا اشکودر آغاز شد و چندصد نفر خواهان سرنگونی مجسمه استالین بودند. شورش‌ها ابتدا به شهرهای دیگر گسترش یافت و دولت برای آرام کردن اوضاع دست به اقداماتی همچون گشودن راه سفرهای خارجی زد. پیش از آن، در سال ۱۹۸۹، نیکلای چائوشسکو، رهبر کمونیست رومانی، در طی انقلاب این کشور اعدام شده بود و آلیا می‌دانست اگر تغییراتی در این کشور ایجاد نکند ممکن است خودش نفر بعدی باشد. بدین ترتیب توافق‌نامه هلسینکی را امضا کرد و استانداردهای حقوق بشر غرب اروپایی را پذیرفت. جلساتی نیز با روشن‌فکران آن روزگار برگزار کرد تا اصلاحاتی در نظام سیاسی آلبانی صورت دهد.

یکی از نتایج این رایزنی‌ها این بود که، روز یازدهم دسامبر ۱۹۹۰، حزب کارگر آلبانی به رهبری آلیا کثرت‌گرایی سیاسی را در این کشور برقرار کرد و روز بعد حزب دمکرات آلبانی تشکیل شد. در انتخاباتی که در مارس ۱۹۹۱ برگزار شد، حزب کارگر اکثریت آرا را به خود اختصاص داد و در مسند قدرت ماند، اما در پی اعتصاب عمومی و اعتراضات شهری، «دولت ثبات» تشکیل شد که در آن به غیرکمونیست‌ها نیز نقش‌هایی اعطا شد. کمونیست‌ها در انتخابات سال بعد، یعنی مارس ۱۹۹۲، در اوج نابسامانی اقتصادی و ناآرامی سیاسی، شکست خوردند و حزب دمکرات با اخذ بیشترین آرا قدرت را به دست آورد و سالی بریسا رئیس‌جمهور کشور شد.

برپایی دولت دموکراتیک زمینه‌ساز عضویت آلبانی در کنفرانس امنیت و همکاری اروپا شد و انزوای سیاسی کشور رسماً به پایان رسید. اما این دولت پسا کمونیسم نیز چالش‌های خاص خود را داشت. مسئولان دولت بریسا باید اصلاحاتی را که وعده داده بودند عملی می‌کردند، اما در این راستا چندان کاری از پیش نبردند و امیدهای مردم به این دولت نیز از بین رفت. بریسا، علاوه بر ناکامی‌های اقتصادی، بعضی از شیوه‌های حکومت پیشین همچون فشار بر مخالفان و رسانه‌ها و جامعه مدنی را نیز ادامه داده بود.

این اوضاع تا سال ۱۹۹۷ ادامه یافت تا اینکه اقتصاد آلبانی دچار فروپاشی دیگری شد. مردم از مدتی قبل پس‌اندازهای خود را در شرکت‌های هرمی سرمایه‌گذاری کرده بودند و سال ۱۹۹۷، این شرکت‌ها اعلام ورشکستگی کردند. مردم پول‌های کلانی از دست دادند و اعتراضاتی خشن در در سراسر کشور صورت گرفت (که امروزه به جنگ داخلی آلبانی شهرت دارد). نیروهای حافظ صلح وارد کشور شدند تا به هرج‌ومرج پایان بدهند. در این شرایط حزب سوسیالیست در انتخابات مجلس پیروز شد و دوره جدیدی در حیات سیاسی آلبانی آغاز شد.

لیا اوپی، نویسنده آلبانیایی، در سال‌های پایانی دوران کمونیستی متولد شده و در این کتاب برش‌هایی از دوران کودکی آمیخته به سرنوشتش تحت این نظام و همچنین تجربه‌اش از تغییر رژیم در آلبانی را روایت می‌کند. در خلال روایت او، هم جزئیات ظریف را می‌بینیم و هم تصویرهای کلان را؛ مثلاً پدر و مادر روشن‌فکرش را می‌بینیم که از بحث سیاسی در حضور او طفره می‌روند و فقط گاهی از خویشاوندانی صحبت می‌کنند که «به دانشگاه رفته‌اند»، پدر و مادری که نتوانسته‌اند در دانشگاه رشته مورد علاقه خود را بخوانند، چون «زندگی نامه» هر فرد آلبانیایی تأثیر بسزایی در سرنوشت او دارد و زندگی‌نامه این دو همواره محرومیت‌هایی را برایشان به دنبال می‌آورد که لیا از درک آن عاجز است. سرانجام، لیا سقوط رژیم کمونیستی را به چشم می‌بیند و تاریخ برایش به پایان می‌رسد، تاریخ و واقعیت و دنیایی که تا کنون اطراف خود می‌دید اما تازه می‌فهمد هیچ چیزش شبیه آنچه خیال می‌کرده نبوده است. اکنون دنیای دیگری پیرامونش زاده شده، دنیایی با شعارهای جدید، رُست‌های تازه و رازهایی نو.

اوپی، که امروزه استاد نظریه سیاسی و استاد اندیشه مارکس در مدرسه اقتصاد لندن است، کتاب آزاد را با زبانی ملیح نوشته و ما را با تک تک حوادث و شخصیت‌ها همراه می‌کند، به طوری که گاردین این کتاب را «یکی از سنجیده‌ترین متونی که از زیر آوار کمونیسم برخاسته» معرفی می‌کند. کتاب نه نوستالژیک است و نه لحن تلخی دارد، فقط نشان می‌دهد که انسان‌ها چگونه در پیچ و خم تاریخ گرفتار می‌آیند، انسان‌هایی با هزاران امید و نومیدی، رؤیا و سرخوردگی، تلاش و جان‌کندن، انسان‌هایی درست مثل خودمان. در پایان، جا دارد تقدیر و تشکر کنم از عوامل نشر ترجمان علوم انسانی که این کتاب متفاوت را انتخاب کرده و ترجمه آن را به من سپردند. در مراحل مختلف کار، زحمات تمام این همکاران گرامی را دیده‌ام و قدردان آن‌ها هستم. امیدوارم با ترجمه حاضر توانسته باشم حق مطالب را در قبال کتاب اصلی و همچنین خوانندگان فارسی‌زبان ادا کنم.

علیرضا شفیعی نسب، پاییز ۱۴۰۱